

عناصر هنری و ارزشهای معنوی در معماری مساجد

مدرسه علمیه الزهراء (س) - اراک

مژگان ساجدی

چکیده

مسجد، محل سجود و خضوع و کرنش بندگان خدا در پیشگاه الله است. مسجد، جایگاه دل‌کندن از محبت دنیا و مرکز تحکیم رابطه انس و دوستی با مبدا آفرینش هستی است. مظاهر گوناگون فرهنگ و هنر اسلامی در طی قرن‌های متمادی، در بنای مسجد مجال ظهور یافته است. بطوریکه امروز یک مورخ دقیق و روشن بین می‌تواند تنها از مطالعه در مساجد تصویر روشنی از تمدن و تاریخ افوام مسلمان عالم را پیش چشم خویش مجسم کند. نقش مساجد بعنوان یک عامل مهم در تعیین هویت شهرهای اسلامی بر کسی پوشیده نیست. مسجد محور بحث در معماری اسلامی و هنرهای تزئینی است. تزئینات در فضای معماری رابطه مستقیم با طرح بنا دارد و معنی و مفهوم اعتقادی در آن مشاهده می‌شود. ساختمان مسجد وحتى سبک معماری آن، از معنویت دین و افکار الهی هنرمند سرچشمه می‌گیرد. معماری مساجد و تزئینات آن در گنبد، مناره، محراب، کتیبه، خطوط و نقوش فضایی را ایجاد می‌کند که آدمی را به عالم ملکوت پیوند می‌دهد. نقشه ساختمان، نحوه آجرچینی، نقوشی که به صورت کاشی کاری و گچ بری و آئینه کاری در مسجد بکار رفته همه و همه نمایانگر جمال و کمال حق تعالی است. دو مناره یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ مسجد قرار دارند که یکی نماد و سمبل اعتقاد به قرآن و دیگری نماد و سمبل اعتقاد به اهل بیت پیامبر (ص) است که هر دو چراغ راه سالکان منزلگه توحید هستند. محراب، قبله‌گاه مسجد و محل پیکار با شیطان و باب رحمت و عروج به عالم ملکوت است. گنبد، نمادی از قلب مومن است که باید خالی از هرگونه شک و غیر خدا باشد. صفحه آبی رنگ حوض مسجد، نمادی از پاک بودن و پاک زیستن است. از ویژگی‌های هنر مسلمین در بنای مساجد و تزئین گنبدها و محرابها و دیوارها و رواق‌هاست نوع تلفیق و ترکیب خطوط هندسی و منحنی، با سایه و نور و رنگ در زوایا و سطوحی متناسب است. دو عنصر هنری خط و رنگ با پوشش بر در و دیوار مسجد، جلوه معنوی را تجلی می‌بخشد و هنرنمایی هنرمندان اسلامی را به رخ می‌کشد. عناصر خطی و کتابی یکی از درخشانترین نوع تزئینی در هنر اسلامی است که با توجه به اهمیت دادن مسلمین به آیات قرآن، آنها را در مساجد و مراکز بجای نقوش دیگر بکار بردند که هم جنبه تزئینی داشته است و هم تلاوت قرآن انجام می‌گرفت و عمدتاً به دو خط کوفی و نسخ مورد استفاده بود اولی بخاطر داشتن زاویه‌های قائمه و دومی بخاطر حالت‌های دورانی و انحنای حروف. در هنر اسلامی، رنگهای کبود، سبز، و طلایی... و سرخ و زرد، زیاد بکار رفته است. رنگهای سبز و کبود، رنگهای سرد و رنگهای فضا هستند که از اشیاء، جسمیت آنها را سلب کرده و احساس بی‌نهایت را ایجاد می‌کنند. تجمیع عناصر هنری در محل سجود و بندگی، نقشی موثر در رساندن پیام قرآن و ارزشهای مکتب والای اسلامی دارد و این مرهون هنر هنرمندانی است که افکارشان و هنرشان سرشار از معنویت و بندگی است.

واژگان کلیدی

هنر: پیشه، صنعت، فن، کار نمایان و برجسته.¹

مسجد: جای سجده، محل عبادت.²

محراب: جای ایستادن پیشنماز، قبله، طاق مسجد که در سمت قبله است.³

مناره: جای نور، گلدسته، ستون بلند و ساختمان برج مانند که در معابد و مساجد درست می‌کنند برای چراغ روشن کردن یا

اذان گفتن.⁴

مقدمه

در قاموس فرهنگ وحی، مسجد متعلق به ذات پاکی است که سرچشمه تمامی عظمتها و بزرگیهاست. مسجد در جایگاه اصیل خویش بنایی است مبارک، فرخنده و به دور از کژی و گمراهی. چنانکه اهل مسجد نیز مبارک و فرخنده و برکنار از ضلالت و گمراهی اند. مسجد برای اهل ایمان، بازار آخرت است. آنان در این جایگاه مبارک کالاهای گرانبها و ارزشمندی را که مایه سعادت انسان است، به دست می آورند. در این خانه مبارک از میهمانان، با مغفرت پذیرایی می شود و هدیه آنان بهشت گسترده جاودان است. مسجد، محل سجود و خضوع و کرنش بندگان خدا در پیشگاه الله است، جایی برای ایجاد رابطه با پروردگار و اظهار عبودیت و کوچکی در برابر ربوبیت و عظمت خالق هستی.

اولین مسجدی که در اسلام ساخته شد مسجد قبا بود که پس از هجرت پیامبر از مکه به مدینه، احداث گردید. زیر بنای اساسی این مسجد، تقوا بود. در قرآن کریم، نسبت به آباد کردن مساجد و ساختن آنها، آیه ای است که می فرماید: «مساجد خدا را، تنها کسانی آباد می کنند که به خدا و قیامت ایمان داشته و نماز را برپا می دارند، زکات می پردازند و جز از خدا، از احدی نمی ترسند»

تاریخ نشان می دهد هر جا که مذهب راه پیدا کرده و مردم با ایمان و خلوص کار کرده اند و چیزی را بعنوان اعتقاد دینی ساخته اند. سرشار از زیباییها و ظرافت های شگفت است. گر چه ممکن است معمار و هنرمند به فرمان صاحب قدرت و امیر و حاکمی کار کند، ولی عقیده قلبی او این است که مسجد می سازد و خانه خدا بر پا می کند. طبیعی است که هنرمند مسلمان و خدا جوی نسبت به ساختن مساجد بعنوان اماکن مقدس و معبد های الهی از ذوق و احساس و هنر و ابتکار و خلاقیت خویش مایه می گذارد و به هر صورت که بتواند، در رونق و شکوه آن می کوشد. در اینجا نقش انگیزه ایمان مذهبی، بسیار قوی و کارساز است. عشق و ایمانی که بعنوان مثال نسبت به اولیاء دین و پیشوایان مذهب در دل شیعیان و پیروان ائمه اطهار علیه السلام وجود دارد چه کارها که نمی کند؟ مسجد محور بحث در معماری اسلامی و هنرهای تزئینی است. تزئینات در فضای معماری رابطه مستقیم با طرح بنا دارد و معنی و مفهوم اعتقادی در آن مشاهده می شود. ساختمان مسجد وحتى سبک معماری آن، از معنویت دین و افکار الهی هنرمند سرچشمه می گیرد. بدون شک، آثار هنری مسلمین در زمینه های تصویری و تجسمی و معماری و خطوط هندسی و نقش و نگارها، از یک مایه غیر مادی بر خوردار است و این، از متن تفکر مذهبی و مایه های مکتب سرچشمه می گیرد. چرا که نگاه هنرمند مسلمان به هستی، با نگرش یک انسان مادی فرق می کند. در این مقال سعی شده تا برخی از جلوه های هنری و معنوی در معماری مساجد که در قالب محراب، مناره، گنبد و نقش تلیق دو عنصر خط و رنگ در زیباسازی هنری و معنوی آن است بیان گردد.

مسجد در هنر اسلامی

معماری مساجد و تزیینات آن در گنبد، مناره، موزائیک، کتیبه، نقوش و مقرنس کاری فضایی را ایجاد می کند که آدمی را به فضای ملکوتی پیوند می دهد. هنرمندان اسلامی کسانی هستند که این فضا را آفریده اند. به همین خاطر، بهره گیری از طاقهای ضربی و گنبدهای آسمانی و انحنایها و فضاهای چند سطحی و این گونه تشبیهات و اشارات در هنر اسلامی، عالمی پر از رمز و راز را ایجاد کرده است که با صور خیالی هنرمندان یونانی و غیره متباین است. هنرمندان مسلمان به خاطر دوری از نگاه تشبیهی، یعنی متجلی ساختن باری تعالی در آئینه صور مادی و ناسوتی با تحدید فضا و ایجاد احجام و نقش و نگار و رنگ آمیزیهای دلپذیر و با ترسیمات اسلیمی این جنبه را جبران و به نحوی نقش و نگارهای عرشی را در صورت تنزیهی آن ابداع کرده اند.⁵

به قول یکی از مستشرقین: اشیایی که مسلمانان چه برای مقاصد مذهبی و چه برای امور عادی می سازند، دارای روح اسرارآمیزی است که معماری مساجد در هنر اسلامی همین روح اسرارآمیز را نمایش می دهد. آنها سعی کرده اند تا همه اجزاء بنا را به صورت مظاهری از آیه های حق تعالی ابداع کنند، خصوصا در ایران که این امر در دوره اسلامی به خدمت تعالی خود رسیده است. نقشه ساختمان، نحوه آجرچینی، نقوشی که به صورت کاشی کاری و گچ بری و آئینه کاری ابداع کرده اند، تقارن سازیهای واقعی و مجازی، همه و همه نمایانگر جمال و کمال حق تعالی است و بنا را چون مجموعه ای متحد و مطابق با تفکر تنزیهی جلوه گر ساخته است. در معماری مساجد چون دیگر معماریهای دینی به تفاوت میان فضای داخل و خارج توجه شده است. هنگامی که انسان وارد مساجد می شود، میان درون و بیرون با تقارنی آشکار رو به رو می شود. این حالت در مساجد به کمال خویش رسیده است. آدمی وقتی وارد شبستان مساجد و مقابر اولیاء خداوند می شود، گویا از وحشت و اضطراب کثرت می گذرد و به آرامش و سکون وحدت سر می نهد. آنجا است که تفاوت خلوت و جلوت و ظاهر و باطن را خوب احساس می کند.⁶

بورکهارت می نویسد: در حالی که شبستان دراز و مستطیل شکل کلیساها اساسا راهی است که انسان را از عالم خارج به سکوی مخصوص عبادت در کلیسا هدایت می کند و گنبدهای مسیحی یا به آسمان صعود می کنند یا به سکوی عبادت در کلیسا نزول می کنند و کل معماری کلیسا برای مومن حاکی از این معناست که حضور ربانی از اجرای مراسم عشای ربانی در سکوی عبادت فیضان می یابد، درست مانند نوری که در میان تاریکی می تابد. در نقطه مقابل، سراسر زمین برای مسلمانان جایگاه نماز می شود و هیچ بخشی از مسجد برخلاف کلیسا که در سکوی عبادت تمرکز پیدا می کند، فضیلتی بر سایر بخشها ندارد. خانه مسلمان نیز می تواند مسجد مومن باشد. به این معنی که مومن حقیقی می تواند حضور حق تعالی

را در همه جای زمین احساس کند و این طور نیست که ظلمت همه جا را گرفته و فقط یک نقطه باشد که حضور حق در آن احساس شود.⁷

اینجاست که یک هنرمند مسلمان همه جا را مسجد و محل نزول فیض الهی می داند. در تمدن اسلامی چون هر تمدن دینی دیگر هنر سیر صعودی داشته و از صفر شروع تا به اوج شکوفایی دست یافته است. چنین سیر تکوینی در معماری مساجد به وضوح نمایان است.

سیر هنر معماری مساجد

ساختمان ساده مسجد مدینه از اولین صور مساجد اسلامی است. این ساختمان چیزی نبود جز مقداری سنگ که روی هم چیده شده بودند و قسمتی از سقف آن را با لیفهای خرما به صورت سایه بان درآورده بودند. صورت و معنای این ساختمان مبنای همه مساجد اولیه اسلام قرار گرفت. در این ساختمان، هیچ اثر بیگانه یونانی - رومی یا ایرانی - وجود نداشت و کاملاً مستقل بود. وجود امام و ماموم و جهت قبله و محل وضو و ورود و خروج صورتی خاص به خود داشت.⁸

مساجد عصر اموی اولین تجربه های معماری اسلامی بود. این معماری با گزینش عناصر مطلوب و ابداع طاقها و جررها و محراب، طرحی مناسب و فضایی در خور برای عبادات و تجمعات اسلامی ابداع کرد.⁹

در دوره امویان، با رشد روحیه تجمل پرستی و کاخ نشینی حاکمان و امیران، نوعی رقابت با کلیساهای غرب مسیحی و قصرهای حکومتی بیزانس و روم ایجاد شد و خلفای بنی امیه در ساختن قصرها و کاخها و قلعهها و حتی مساجد، با استفاده از ابزار و امکانات و معماران، بناهای عظیم و مجلل ساختند، با ایوانهایی بزرگ و ستونهای کوتاه و بلند و محرابهای شگفت و تزئیناتی اسرافیه... هنر بیشتر در خدمت حاکمیتها و اطرافیان حکومتها بود. آن سادگی زندگی و بساطت حکومت و بی آلاشی مساجد، پس از چندی تغییر یافت و خلافت اسلامی به سلطنت موروثی مبدل گشت و روحیه عیاشی و خوشگذرانی و رفاه طلبی که بر خلفای نالایق و حاکمان دنیا زده مستولی شده بود، آنان را به تقلید از تجملات دیگران واداشت. تا آنجا که برخی از خلفای اموی و عباسی، برای ساختن قصرها و معماری بناهای پرشکوه، از ابزار و مصالح و سنگهایی که از جاهای دیگر می آوردند و معماران و مهندسان و هنرمندانی از مصر و ایران و کشورهای اروپائی آن روز را بکار می گرفتند.

«... تا وقتی خلافت اسلامی در مدینه بود، خلفای چهارگانه، مانند پیامبر، از اسراف و اتراف و هر چه که مظهر اسرافیت باشد

پرهیز می‌کردند ولی وقتی خلافت در زمان معاویه به دمشق منتقل شد، معاویه دید که نیاز به برپائی مساجدی پر شکوه و شامخ است که از معابد بت پرستان و کلیسای مسیحیان کمتر نباشد.» به اعتراف و تصریح دیگر مشابه همین، در مورد نقش خلفا در عظمت دادن به بنای مساجد و قصرها، از زبان ارنست کونل توجه کنید: «...روی آوردن به ساختن مساجد بزرگ و قصرهای بلند برای فرمانروایان مسلمانان، از زمانی شروع شد که خلافت اسلامی از مدینه به دمشق بدست معاویه، سر سلسله امویین منتقل شد. خلفاء چهارگانه پیش از او، به پیروی از پیامبر اسلام، از اتراف و اسراف و تجمل خودداری می‌کردند. معاویه که دمشق را پایتخت خود قرار داد تصمیم گرفت که مساجدی پر شکوه بسازد که از معابد بت پرستان و کلیساهای مسیحیان کمتر نباشد و قصرهایی بنا کند که درخشش و جلال آن در رقابت، از کاخ‌های بیزانس عقب نماند. از این رو، طبیعی بود که یک حرکت پر شتاب و پر نشاط معماری شروع شد و مواد و مصالح و کارگر و معمار و هنرمندان را از همه جا دعوت کردند و استاد کارانی از سوریه و روم و ایران در آرایش و تزیین بناها به کار گرفته شد... و پس از سقوط بنی امیه هم، جریان همچنان در روزگار بنی عباس ادامه یافت، بخصوص در اسپانیا...»

تاریخ هنر اسلامی نشان می‌دهد که پادشاهان و امیران زیادی از بزرگترین رواج دهندگان تصویر و نقاشی بوده‌اند. خلفای اموی و عباسی، در قصرهایی که در شام و سامرا می‌ساختند از تصاویر و نقوش زیبا و رنگارنگ در دیوارها و سقف‌ها بکار می‌گرفتند.¹⁰

سادگی در بنای مساجد

مسجد الحرام و کعبه‌ای را که حضرت ابراهیم علیه السلام بنیان نهاد، در آغاز، ساده بود و با گذشت زمان، به حالت امروزی تبدیل شده است. مسجد قبا و مسجد النبی هم که در زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ساخته شد، یک چهار دیواری ساده، با ارتفاعی متوسط و حتی بی سایه‌بان بود سادگی از ویژگیهای مساجد اولیه بود و مسجدهای ساخته شده در مدینه و بصره و کوفه و مصر، از محراب‌های فرو رفته در دیوار، و از منبرها و ماذنه‌ها به شکلی که بعدا رواج پیدا کرد خالی بود. مسجد النبی، با گذشت زمان، رفته رفته وسعت پیدا کرد و تجدید بنا شد تا به صورت فعلی در آمد. بساطت و سادگی در بنای مسجد، چیزی است که از آغاز مورد توجه و تاکید اسلام بوده است. علی علیه السلام مسجدی را در کوفه مشاهده کرد که کنگره دار ساخته شده بود فرمود: گویا این، کنیسه یهود است! و فرمود: مساجد بصورت ساده ساخته می‌شود نه کنگره‌دار. کنگره‌دار بودن بنای مسجد در آن دوره، نسبت به وضعیت ساختمان‌ها، نوعی تجمل و تزئین محسوب می‌شده

است. و نیز، در حدیث است که: «به ما دستور داده شده که شهرها، مزیّن و کنگره‌دار ساخته شود ولی مساجد ساده.¹¹ در واقع، این اسلام نبود که دعوت به تزئین مساجد و ساختن بناهای مرتفع و معماری‌های شگفت و پر شکوه بنام مسجد کرد. چرا که با توجه به فلسفه وجودی مسجد (خانه خدا، خانه عبادت و...) شکل مسجد اسلامی روشن است. بلکه این هنر بود که مسجد را بعنوان ظرفی مناسب و زمینه‌ای مستعد برای بروز و تجلی و نمود پیدا کردن یافت. و این هنرمندان بودند که روح تفاهم آمیز مکتب را، در رابطه با هنر متعهد شناختند و به استقبال آن رفتند.¹² مسجد، جایگاه دل‌کندن از محبت دنیا و مرکز تحکیم رابطه انس و دوستی با مبدا آفرینش یعنی حق تعالی است. بنابراین تبدیل این مکانهای مقدس به نمایشگاههای هنری و مراکز تجمل‌گرایی در واقع خدشه دارنمودن جلوه معنوی و قدسی مساجد است.¹³

هنر و معنویت در مناره مساجد

در مساجد اولیه، مناره نبوده و بعداً پدید آمده است و صورت مطلوب آن هم، بنا بر آنچه در روایات آمده، آنست که همسطح با دیوار و بام مسجد باشد، نه بلندتر که موجب اشراف بر خانه‌های اطراف و اذیت همسایگان مسجد باشد. در باره مناره‌ها و سبک معماری آنها، که بصورت‌های چهارگوش یا چند ضلعی یا استوانه‌ای شکل و دیگر فرم‌های گوناگون است، محققین تاریخ معماری اسلامی، تحقیقات فراوانی کرده‌اند که در این گفتار، نیازی به پرداختن به آنها نیست. در اینجا ما بحث بیشتری درباره مناره نمی‌کنیم فقط با ذکر این نکته که مناره‌ها، یکی از ویژگی‌های ممتاز و آثار برجسته معماری اسلامی در ساختمان مساجد گشته است، شهید پاک نژاد گفته است: «...اکثر مساجد اسلامی که کانون بسیار گرم شهرند، دارای مناره می‌باشند که نام‌های مختلف مناره، گلدسته، گل‌بانگ، ماذنه و... دارند. اغلب دو تا و گاه تعدادشان کمتر یا بیشتر است....¹⁴

به هر صورت، اغلب مساجد اسلامی را، مناره‌هایی است با وضع ساختمانی مخصوص که به کار تعیین قبله می‌آید. یعنی یا باید صفحه مار و مماس بر دو مناره از کعبه بگذرد، که اگر از نوع اول، باشد، اهالی شهر، می‌دانند هر جهت که دو مناره به ردیف، یکی دیده شود آن جهت قبله است. یا جهت عمود بر قبله. ناگفته نماند گنبدها، مناره‌ها، ایوان‌ها و... نشانی و نمایشی از این است که اسلام، دین و سازمان زیر زمینی نبوده و هیچگاه بطور مخفی بر نفرات خود نیفزوده تا آنگاه که به حد نصاب رسید آشکار و مسلط گردد... البته برای ماذنه، تعبیرات ادبی و سمبلیک هم بیان کرده‌اند مانند اینکه: مناره، تنه‌

قامت بلند و آزادی است که از میان شهرها و شهریان... بر کشیده است، تنها قامت افراشته و کشیده‌ای که هر صبح و ظهر و شام، فریاد آسمان را بر سر بردگان زمین فرو می‌کوبد. تنها اندامی که در میان بوقلمونان هفت رنگ و هفتاد روی و هفتصد و هفتاد آواز، از آغاز حیاتش تا ویرانی و نابودی، تنها یک ندا را تکرار می‌کند و عمر را بر سر یک فریاد می‌نهد و بر آن وفادار و استوار می‌ماند تا بمیرد، تنها قامتی که قامت فریاد است و تنها هستی‌یی که هستیش را همه در ندایش ریخته و آن را بی هیچ چشمداشت و بی هیچ صلاحی، نثار مخاطب خویش می‌کند و این تنها کاری است که انسان در زیر این آسمان کرده است.¹⁵

دو مناره یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ مسجد قرار دارند که یکی نماد و سمبل اعتقاد به قرآن و دیگری نماد و سمبل اعتقاد به اهل بیت پیامبر(ص) است که هر دو چراغ راه سالکان منزلگه توحید هستند. مسلمانان از صدر اسلام یعنی از زمان حضرت علی علیه السلام برای اینکه به همگان این معنا را خوب تفهیم کنند که راه تداوم و بقای اسلام واقعی پیروی از قرآن و اهل بیت علیهم السلام است، مدخل ورودی مساجد را مزین به دو مناره نمودند تا همه را متوجه سازند که بی این دو نمی‌توان راه توحیدی را پیمود.¹⁶

هنر و معنویت در محراب مساجد

محراب مسجد بی تردید از جلوه‌های اصیل هنر اسلامی است که با عبادات اسلامی پیوند می‌خورد. محراب، قبله گاه مسجد تلقی می‌شود. در این نقطه، دیوار با فرورفتگی طاقچه وار به محراب تبدیل شده است. در عرف عرفا، دنیا محرابگاهی بیش نیست زیرا همه موجودات عالم به عبادت و جهاد علیه شیطان نفس اشتغال دارند.¹⁷

محراب نشانی از رکوع و خضوع و فروتنی در یک معبد و مسجد است. چرا که دارای یک خط منحنی است و این انحناء و خمیدگی هماهنگ با کل هستی و نظام آفرینش است. مدار حرکت منظومه شمسی و حرکت زمین برگرد خورشید و ماه برگرد زمین، و الکترون برگرد مرکز اتم، بصورت منحنی است. و این نشان خضوع نظام آفرینش در برابر قدرت برتر الهی است و رکوع هستی را در معبد خلقت می‌رساند.¹⁸

حتی افق منحنی آسمان بالا نیز، نشان دهنده خضوع در برابر الله است زیرا جهان، خود یک محراب وسیع است که انسان در برابر آفریدگارش در این نیایشگاه، به خضوع و خشوع، عبادتگر اوست. محراب، رزمگاه است، این نکته بسیار عمیق و آموزنده است و مسلمان را حتی در حال نماز و عبادت هم، در حال جنگ با عوامل باز دارنده انسان از رشد معنوی و تکامل

روحی می‌شمارد. آن کس که در جهاد اکبر و مبارزه با نفس بتواند قوای نفسانی خود را کنترل کرده و با زمام تقوا نفس سرکش را مهار زده و بر آن تسلط یابد، می‌تواند در کوران حوادث و بحران‌های اجتماعی بر سر ایمان و عقیده و مکتب و پاکی و فضائل اخلاقی استوار و ثابت قدم بماند و انسان با خدا، می‌تواند در جهاد و مبارزه هم‌گامی بردارد و امت آشنا با مسجد و محراب و منبر، آن آگاهی و صلابت را دارند که با شناخت دوست و دشمن، آینده و تاریخ و نظام متقن اجتماعی را بر اساس مکتب بنا نهند. پس محراب، خاستگاه جهاد است.¹⁹

هنر و معنویت در گنبد مساجد

پیوستگی میان گنبد و فضای مکعب زیر آن در معماری اسلامی از طریق ایجاد مقرنس می‌باشد. این عنصر وسیله ای است برای انتقال بار در میان هر دو سطح مستدیر و مستوی، به ویژه تکیه گنبد مدور بر پی چهارگوش. در این میان گنبد مظهر آسمان و فضای مکعب زیر آن مظهر زمین و قوس مقرنس کاری شده چونان حلقه واسطه آسمان و زمین تلقی می‌گردد. شکل سینوسی گنبد می‌تواند تمثیلی از نقطه و مبدا اولیه وجود باشد. هم چنین می‌تواند نماد قلب مومن باشد که باید خالی از هرگونه شک و غیر خدا باشد.²⁰

اگر سردر و ایوان مساجد منحنی است، اگر پیشانی محراب و سقف معابد، خمیده است، اگر گنبد بناهای دینی، حالت رکوع دارد، بیان کننده آن روح تعبد و تسلیم و انحاء در برابر خالق است. امام جماعت، در محرابی می‌ایستد که راکع است. و گنبد هم محرابی است که یک اجتماع راکع، در زیر آن تجمع کرده‌اند و این نشانه ایمان مردم است، چرا که رکوع، نشانه ایمان و توحید است. آن کس که در برابر حق مطلق، خضوع نکند و در پیشگاه خدا راکع نباشد، در برابر هر کس دیگری خم خواهد شد.²¹

نقش خط و رنگ در معماری مساجد

آنچه که از ویژگی‌های هنر مسلمین در بنای مساجد و تزئین گنبدها و محرابها و دیوارها و رواق‌هاست نوع تلفیق و ترکیب خطوط هندسی و منحنی، با سایه و نور و رنگ در زوایا و سطوحی متناسب است. ظریف کاریهای بکار رفته در این تلفیق و مزج هنرمندانه، هم بعد معنوی و جذبه غیر مادی به آثار معماری اسلامی می‌بخشد و هم انسان را در دنیایی ژرف از

زیبائیها و احساسهای فوق طبیعی قرار میدهد. به گونه‌ای که به یک اثر هنری معماری، نه یک بعد، بلکه ابعادی عمیق، میدهد.²²

از میان تمام خطوط اسلامی امروز سه خط نسخ، نستعلیق و شکسته نستعلیق را می‌توان ملاک و میزان کاربرد خط قرار داد. خط نسخ را از لحاظ رسایی و سهولت خواندن، نستعلیق را از منظر زیبایی و خط شکسته را از نظر سهولت و آسان نویسی که به لحاظ زیبایی هم دست کمی از نستعلیق ندارد.²³

خط از مهم‌ترین عناصر هنر شکل‌گرا است و نمایشگر نوعی حرکت و رونق در بیان غرض. خط در آثار هنر اسلامی، غالباً به دو صورت بکار رفته است: یکی خط منحنی که حالتی دورانی و جولانی دارد و بیانگر نوعی رهائی و آزادی در محدوده همان مساحت تزئین شده است. اگر چه از محدوده بیرون نمی‌رود ولی احساس اطلاق و استمرار و بی‌نهایت را در انسان ایجاد می‌کند. تلاشی مستمر و حرکتی مداوم و بی‌وقفه را القاء می‌کند. «و لله المشرق و المغرب فاینما تولوا فثم وجه الله». صورت دوم: خطوط هندسی است که نقش محدود کننده مساحت را دارد و با رشد هنر، رو به دقت می‌رود. معمولاً به این نوع خطوط، تزئینهایی از نوع اول ضمیمه می‌گردد.²⁴

این شکل از خط، غالباً بصورت شکل‌های ستاره‌ای و نجومی و چند ضلعی است، یا بصورت دایره‌ها. خط هندسی احساس استقرار و آرامش و ثبات را ایجاد می‌کند و نوعی حرکت قاطع و مؤکد در آن نهفته است، چونکه نظر را به داخل مساحت میکشد. شگفتی هنر اسلامی در ترکیب این دو نوع خط، در نهایت مهارت و تناسب است.

رنگ، صفتی طبیعی در اشیاء است و آنرا در تاریکی نمی‌توان دید. شدیداً با نور ارتباط دارد و زیبایی بسیاری از چیزها از رنگشان مدد می‌گیرد. زیبایی رنگ شکوفه‌ها، آسمان، پرندگان، حشرات و صدف، شاهد آنست.

در هنر اسلامی، رنگهای کبود، سبز، و طلائی... و سرخ و زرد، زیاد بکار رفته است. رنگهای سبز و کبود، رنگهای سرد و رنگهای فضا هستند که از اشیاء، جسمیت آنها را سلب کرده و احساس بی‌نهایت را ایجاد می‌کنند. رنگ طلائی نیز این تاثیر را دارد. رنگ، غالباً نقش نور را ایفاء می‌کند، چونکه غالباً رنگ‌ها روشن‌اند و رنگهای تیره هم بجای سایه و تاریکی به کار می‌رود و سایه‌ها، نوعی زیبایی و تنوع می‌انگیزد.²⁵

رنگ سبز، زیباترین رنگی است که در قرآن مطرح شده است و بساط بهشتیان و جامه‌های ابریشمین و حریرهای سبزرنگ آنان در آیاتی چند آمده است و نقش رنگ سبز بر در و دیوار مساجد با تجسم فضای معطر بهشتی، روح و قلب مومن را در مسجد جلا می‌دهد و نسیم روح نواز زندگی را در رگهایش می‌دمد.

هنرمندان مسلمان در تزئین آثار خود، از هر چه که به زیبایی و جذابیت اثر بیفزاید استفاده می‌کردند. عناصر خطی و کتابی، یکی از درخشان‌ترین نوع تزئینی در هنر اسلام بود. با توجه به اهمیت دادن مسلمین به آیات قرآن، آنها را در مساجد و مراکز بجای نقوش دیگر بکار بردند که هم جنبه تزئینی داشته است و هم تلاوت قرآن انجام می‌گرفت و عمدتاً به دو صورت خط کوفی و خط نسخ مورد استفاده بود، اولی بخاطر داشتن زاویه‌های قائمه، دومی به خاطر حالت‌های دورانی و انحناهای حروف. خود این حروف و خطوط کوفی و نسخ هم با نقش‌های گیاهی ضمیمه می‌شد، که غالباً در امتداد حروف بود.²⁶

هنرمند مسلمان سعی دارد که جاهای خالی مساحتی را که در آن به کارهای هنری مشغول است با خطوط و شکلها و رنگ‌ها پر کند. این پدیده، بخصوص در جایگاه قبله در مسجد (محراب) روشن‌تر است. فضای متعلق به قبله را می‌بینیم که هر جزئی از آن به شکلی یا خطی یا رنگی پر شده است، چه در مورد نقاشی‌های روی خود دیوار، یا آنجا که با کاشی و سفال و صدف و نقره و... دیوار آراسته شده. حرص هنرمند بر این که فضای خالی را پر کند، دلیل بر روحیه اینگونه اوست. هنرمند به این وسیله بر «مکان» یا بر «ماده» غالب می‌شود. باینصورت که بجای آن، یک حرکت دینامیکی قرار می‌دهد که مخاطبش روح است. اگر بین این وحدت‌های انتزاعی‌اش جای خالی بگذارد، ما را متوجه مکان می‌کند... احساسی که در نفوس، هراسی عمیق و مبهم بر می‌انگیزد.²⁷

نتیجه گیری

معماری هر قوم، جلوه گاه افکار و عقاید و فرهنگ آنان است و آثار خلق شده هنری، آمیخته‌ای از فنون گوناگون است و آئینه‌ای از طبیعت و علم و اخلاق و تاریخ است. هنر معماری اسلامی در بنای مسجد تجلی و تبلور می یابد و بهمین دلیل، مسجد محور بحث در معماری اسلامی و هنرهای تزئینی می گردد. آثار هنری مسلمین در زمینه‌های تصویری و تجسمی و معماری و خطوط هندسی و نقش و نگارها، از یک مایه غیر مادی بر خوردار است و این، از متن تفکر مذهبی و مایه‌های مکتب سر چشمه می‌گیرد. چرا که نگاه هنرمند مسلمان به هستی، با نگرش یک انسان مادی فرق می‌کند.

از مهم‌ترین ویژگیهای مساجد و بناهای دینی مسلمین، می‌توان به این سه امر اشاره کرد:

1- رواق‌ها و ایوان‌های محیط بر صحن مساجد. 2- بکار بردن خط کوفی و نقش‌های نوشتاری برای تزئین دیوارها و کناره و لبه سقف‌ها. 3- قوسی شکل بودن بالای درها و مدخل‌ها و سقف‌ها (اکثرا به شکل نعل) حالت انحناء و قوسی بودن در معماری اسلامی معنای عمیق و خاصی می‌تواند داشته باشد. این انحناء، بیشتر در شکل گنبدها، محراب‌ها، سردرها، ایوان‌ها و قسمت‌هایی از رواق‌ها وجود دارد.

آبادی مسجد، به نقشه مهندسی و مصالح ساختمانی خوب و خرج زیاد و شکوه ظاهری نیست. بلکه به اثر بخشی آنست، به استفاده صحیح از مسجد است. مهم، شکوه معنوی و جلالت و عظمت عرفانی و الهی آنست، نه کاشیهای معرق و درها و رواقهای بلند و سنگفرش‌های ظریف و قیمتی و در و پیکرهای منبت کاری شده!...

آبادی مسجد، به آنست که مرکز معنویت و عبادت برای خدا و ایجاد رابطه با خالق باشد، آموزشگاه دین و حکمت و کانون برپائی شعائر دین باشد. مسجد، به پایگاه بودن برای امور مسلمین و معبد و مصلا بودن آباد است، و به علم و عبادت، به تواضع و عبودیت، به مرکزیت حضور دینداران، به تدریسها و تعلیم‌ها، به حلقه‌های آموزشی و درسی، به محافل ادبی و بلاغت و نقد، و به مجمع‌های علمی و اخلاقی بودن، معمور است. آبادی مسجد، به بیان فقه و علوم اهل بیت در آنها، به ارشاد و امر بمعروف و نهی از منکر و دعوت به خیر است، نه به کاشی و گنبد و تزئینات.

از این رو، هر کاری که به رونق و جلای مسجد بیفزاید و مرکزیت آنرا تثبیت کند و به نظافت و طهارت و تمیزی آن کمک کند و محتوای آموزشی و تربیتی آنرا غنی‌تر سازد مورد تشویق اسلام است، و هر چه که به آلودگی و بی‌اعتنائی و بی‌حرمتی بیانجامد و عامل غفلت و سرگرمی و دنیا زدگی گردد، مورد نهی و نکوهش می‌باشد. دستورات و احکام مربوط به مسجد، به خوبی این مسئله را روشن می‌کند

پی نوشتها

- 1- حسن عمید، فرهنگ عمید، ص 1270
- 2- حسن عمید، فرهنگ عمید، ص 1118
- 3- حسن عمید، فرهنگ عمید، ص 1094
- 4- حسن عمید، فرهنگ عمید، ص 1160
- 5- علی نجفی صحنه ای، مقاله مسجد در آئینه هنر اسلامی، مبلغان، شماره 80، ص 65
- 6- ارنست کونل، هنراسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، ص 135
- 7- تیتوس بورکھات، هنراسلامی، ترجمه جلال ستاری، ص 100
- 8- علی نجفی صحنه ای، مقاله مسجد در آئینه هنر اسلامی، مبلغان، شماره 80، ص 67
- 9- علی نجفی صحنه ای، مقاله مسجد در آئینه هنر اسلامی، مبلغان، شماره 80، ص 68
- 10- جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص 346
- 11- جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص 327
- 12- جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص 335
- 13- رحیم نوبهار، سیمای مسجد، ج 1، ص 232
- 14- جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص 357
- 15- جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص 358
- 16- علی نجفی، مقاله تحقیقی پیرامون مناره مساجد، مبلغان، شماره 67، ص 121
- 17- علی نجفی صحنه ای، مقاله مسجد در آئینه هنر اسلامی، مبلغان، شماره 80، ص 70
- 18- جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص 359
- 19- جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص 361
- 20- علی نجفی صحنه ای، مقاله مسجد در آئینه هنر اسلامی، مبلغان، شماره 80، ص 72
- 21- جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص 360
- 22- جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص 363
- 23- لیلی برات زاده، کتاب خوشنویسی در ایران، ص 98

24- جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص 364

25- جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص 365

26- جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص 366

27- جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص 354

فهرست منابع

- 1- برات زاده، لیلی، کتاب خوشنویسی در ایران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران، چاپ اول، 1384
- 2- بورکھات، تیتوس ، هنراسلامی، ترجمه جلال ستاری، سروش، 1369
- 3- عمید، حسن ، فرهنگ عمید ، انتشارات امیرکبیر، تهران، 1374
- 4- کونل، ارنست، هنراسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، مشعل آزادی، تهران، 1367
- 5- محدثی، جواد، هنر در قلمرو مکتب، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم، زمستان، 1374
- 6- ماهنامه اطلاع رسانی - پژوهشی - آموزشی مبلغان، ش 67 ، معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه علمیه قم، 1384
- 7- ماهنامه اطلاع رسانی - پژوهشی - آموزشی مبلغان، ش 80 ، معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه علمیه قم، 1385
- 8- نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج 1، زمستان 1373